

گفته‌ها

نقاط ضعف و قوت شرق شناسی

ادوارد سعید



✎ **مسعود فرهمندفر**

● وقتی صحبت از شرق شناسی می‌شود، اولین نامی که به یاد می‌آید، ادوارد سعید است که کتاب «شرق‌شناسی» را در سال ۱۹۷۸ نوشت، به لحاظ آکادمیک کتاب شرق‌شناسی او آغازگر رویکرد پسااستعماری بوده است. سعید در این کتاب به واکاوی بازنامه‌ی فرهنگی می‌پردازد و سعی می‌کند نکاتی بازنامه‌ی فرهنگی را در کنترل ساختار هژمونیک قدرت بررسی کند. از نظر سعید شرق شناسی گفتمانی است که دانش غرب از شرق آن را به وجود آورده است. در این کتاب سعید از ایده‌های میشل فوکو و ایده دانش- قدرت او استفاده می‌کند و می‌گوید کارکرد شرق‌شناسی خواست‌قدرت غرب است و این نیز با بهره‌جویی از تفکرات قالبی و کلیشه‌سازی صورت می‌گیرد که غالباً واقعیت بیرونی ندارد. در واقع شرق پراخته می‌شود و با تکرار و تاکید در متن‌های غربی به‌ویژه در رمان قرن نوزدهم انگلیس کم‌کم این هویت جعلی جای واقعیت را می‌گیرد. البته سعید در شرق‌شناسی از نکاتی هم غفلت کرده که مک‌فی در کتاب شرق‌شناسی به‌خوبی به نقاط ضعف آن اشاره می‌کند؛ هم‌زمان با اینکه نقاط قوت آن را نیز برمی‌شمارد. یکی از ویژگی‌های کتاب مک‌فی این است که اگر سعید را نقد می‌کند، نقدی عالمانه و به‌دور از هرگونه غرض‌ورزی است و ویژگی او انصاف در توضیح مسائل است. کتاب مک‌فی چندین بخش دارد: پیشینه پژوهشی، حمله‌هایی که از جنبه‌های مختلف به شرق‌شناسی شده و البته حجم بیشتر کتاب به اتفاقاتی می‌پردازد که بعد از چپ‌انگاری ادوارد سعید در جهان غرب رخ داده است. کتاب مک‌فی بیش از ۳۰ سال بعد از انتشار کتاب سعید نوشته شده و برای همین نویسنده که استاد تاریخ است، به‌خوبی وقت داشته اتفاقاتی را که بعد از انتشار کتاب سعید در جهان رخ داده، رصد کند و با دیدی باز درباره شرق‌شناسی صحبت کند. بخش اول پیشینه و یادداشت جغرافیایی است. سپس به تحلیل و ظهور شرق‌شناسی اشاره می‌کند. فصلی در کتاب وجود دارد که به شرق‌شناسی در هنر اشاره می‌شود. سپس به حملاتی که به کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید شده، می‌پردازد و واکنش‌ها به نقد شرق‌شناسی را ۳۰ سال پس از انتشار کتاب سعید بررسی می‌کند. در آخر هم فصلی دارد به نام بازاندیشی در شرق‌شناسی. مک‌فی بحث می‌کند که چرا کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید مطرح شد. او می‌گوید قبل از شرق‌شناسی سعید کارهای زیادی دراین‌باره نوشته شده بود؛ انور عبدالملک و عبدالطیف تباوی مقالاتی چاپ کرده بودند، برایان ترنر کتاب «مارکس و پایان شرق‌شناسی» را نوشته بود، نورمن دنیل کتاب «اسلام و غرب» را نوشته بود و بسیاری آثار دیگر که مک‌فی با انصاف همه آنها را برمی‌شمرد و نقاط قوت هر یک را برای ما یادآور می‌شود؛ اما نکته جالبی که مک‌فی اشاره می‌کند، این است که می‌گوید این‌همه‌کتاب قبل از کتاب ادوارد سعید نوشته شده بود که به شرق‌شناسی به‌عنوان دانشی که غرض‌ورز و متأثر از خواست قدرت غرب است، می‌تاختند؛ اما چرا فقط کار سعید مطرح شد؟ او دو دلیل را برای این اتفاق برمی‌شمرد. اولین دلیل این است که سعید آرای ضدونقیض قبل از خود را یک جا جمع کرده است. دلیل دوم این است که تحلیل تاریخی و اجتماعی سعید تحلیلی است که براساس یک روش‌شناسی علمی استوار است. علاوه‌براین سعید تلاش کرد به تحلیل بحث بعد نقد ادبی را هم اضافه کند؛ یعنی سعی کرد از تئوری‌های نقد ادبی استفاده کند و براساس آن تحلیلی ارائه دهد که جنبه‌های گوناگونی دارد. سعید از ایده دانش- قدرت و ایده گفتمان میشل فوکو، از ایده هژمونی گرامشی، از نظریات جوانانی بابتستاد ویکو درباره تاریخ، از کتاب محاکات اریش اوبریخ و از نظریه ریموند شواب در کتاب «رساناس شرقی» استفاده کرد. به‌همین‌دلیل کتاب سعید کتابی است که روش‌شناسی‌ای که برای خوانش متن ارائه می‌دهد، متفاوت از کتاب‌هایی است که پیش‌ازآن درباره شرق‌شناسی نوشته شده بود. سعید نقد کرد همه این جنبه‌ها را با نقد ادبی نیز گره زد و رمان قرن نوزدهم را در کنایش تحلیل کرد. زمانی‌که ادوارد سعید وارد فعالیت دانشگاهی شد؛ یعنی در سال‌های دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نقد نو و سپس ساختارگرایی که رویکردهایی تماماً محور بودند، بر فضای نقد و نظریه ادبی آمریکا غلبه داشتند؛ ولی سعید مخالف روش‌های صرفاً متن‌محور بود و اعتقاد داشت که فرم همواره بافت‌مند است. این مسئله مهمی است که سعید در کتاب شرق‌شناسی به آن اشاره می‌کند؛ یعنی بافت فرهنگی و سیاسی و اجتماعی متن را نباید مجزا از فرم آن در نظر گرفت. سعید همچنین معتقد بود که مشکل نقد ادبی زمانه‌اش نقد نقش‌گرایی افراطی است؛ یعنی اینکه به نقش و کارکردهای فرمی متن توجه بیش از حد می‌شود. در عوض سعید معتقد بود باید متن را یک رویکرد فرهنگی در نظر بگیریم و به این نکته توجه داشته باشیم که معنا در تعامل فرم و بافت شکل می‌گیرد. به‌همین‌دلیل سعید در پس کشف مناسبات متن با تاریخ و جهان پیرامون بود.

اندیشه

نشست نقد و بررسی ۲ کتاب درباره شرق‌شناسی با حضور احمد کریمی‌حکاک برگزار شد

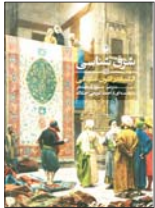
تعدیل و تثبیت نقد شرق‌شناسی



«زبان الجزایری» اثر اوزن دوپلر، ۱۸۳۴ میلادی

که خط ابداع شد، در سه، چهار هزار سال، تداوم داشته و جهان را برای ما تبیین کرده و نمی‌شود گفت شرقیان فقط وضعیت معضل خاص خودشان را در فرهنگ و ادبیات بازتاب دادند.

به همین دلیل فکر می‌کنم نوعی تعمیم، شاید عمدی و شاید غیرعمدی، وارد کار ادوارد سعید شد. خوشبختانه سعید بعد از نوشتن کتاب «شرق‌شناسی» در آثار دیگری که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی قرن بیستم نوشت، شروع به پس‌گرفتن برخی از سخنانش کرد. این موضوع را به خصوص در کتاب مهم The World, the Text, and the Critic (جهان، متن، منتقد، ترجمه اکبر افسری، انتشارات توس) می‌بینم. او رفته‌رفته از سخنی که در شرق‌شناسی گفته و تعمیمی که آنجا ارائه کرده با پس می‌کشد. می‌توان بر آن فائق آمد می‌توان مواردی را مستثنا کرد. من به عنوان پژوهشگری که کام در راه پژوهش آثار زبان فارسی گذاشته‌ام بسیار علاقه‌مند به دوستان و دانشجویانم نشان دهم که مثلاً کسی مثل ولیگام جونز یا به خصوص در کتاب مهم از بالا نگاه کردنی که ادوارد سعید می‌گوید، با ادبیات فارسی یا شاهنامه یا غزل‌های حافظ روبه‌رو نشده است. جونز صمیمانه به شرق دل داد و اساساً بسیار مشتاق ادبیات و شعر فارسی شد؛ آن هم در هند در زمانی که انگلستان بساط استعماری‌اش را در آنجا گستران بود. او در کلکته زندگی می‌کرد و متأسفانه در جوانی در ۴۷ سالگی درگذشت. سر ویلیام جونز آثار خودش را هم به زبان لاتین می‌نوشت هم به زبان فرانسه و فرهنگ اعراب و زبان عربی را به‌ویژه در سایه معضل اسرائیل و فلسطین به همه فرهنگ‌های شرقی تعمیم داد. درحالی‌که این سخن درستی نیست. یعنی شاید بتوان گفت سعید می‌بایست درباره فرهنگ‌های عربی-اسلامی سخن می‌گفت و باید فرهنگ‌های شرق را متفاوت در نظر می‌گرفت. چون قاره آسیا چندین برابر قاره اروپا است و آثاری که در آنجا آفریده شده، از زمانی



شرق‌شناسی

الکساندر لنون مک‌فی
ترجمه: مسعود فرهمندفر
ناشر: مروارید
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

جایی رساند که بی‌اعتمادی به تحقیقات غربیان در فرهنگ اعراب و زبان عربی را به‌ویژه در سایه معضل انگلستان و فلسطین به همه فرهنگ‌های شرقی تعمیم داد. درحالی‌که این سخن درستی نیست. یعنی شاید بتوان گفت سعید می‌بایست درباره فرهنگ‌های عربی-اسلامی سخن می‌گفت و باید فرهنگ‌های شرق را متفاوت در نظر می‌گرفت. چون قاره آسیا چندین برابر قاره اروپا است و آثاری که در آنجا آفریده شده، از زمانی

مخاطرات شرق‌شناسی

موارد را خود ادوارد سعید با لحن شدیدتری می‌نویسد، چون هم عرب بوده و هم متعلق به فلسطین و انگار با دست بازتری توانسته آن کار را بکند و خیالش راحت بوده که به او تهمتی نمی‌زنند؛ اما اروین آن چنان خیالش راحت نیست و دست‌به‌عصا راه می‌رود و لحن ضداسلامی یا ضدعربی که گاه در متفکران دوره روشنگری یا متفکران قرون ۱۷ و ۱۸ مثل ولتر وجود دارد، بسیار ملایم‌تر شده ولی اساس حرف‌ها بر سر جای خودش باقی است. مقصودم این است که او سعی کرده با دیدگاه منصفانه‌تری به قضیه نگاه کند.

اروین دیدگاه ایدئولوژیک سعید را کنار گذاشته و در واقع او را نقد کرده و نشان داده است که شرق‌شناسی یک جریان واحد نیست که عده‌ای تصمیم گرفته باشند از پیش آن را در مسیر استثمار و استعمار ملت‌های شرق پیش ببرند. اصلاً این‌طور نیست. این کتاب این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. شرق‌شناسان انسان‌هایی بوده برخی مستقل با انگیزه‌های کاملاً شخصی، برخی هم البته حقوق‌بگیر دولت‌ها بوده‌اند و اصولاً خودشان از نظر مواضع ایدئولوژیک با دولت‌ها



همسو بوده‌اند و بنابراین در راه آن ایدئولوژی کار می‌کرده‌اند. برخی از این شرق‌شناسان انگیزه مذهبی داشته‌اند؛ مثلاً مسیحیون مذهبی بوده‌اند و شرق‌شناس شده‌اند، چون می‌خواست‌اند در سرزمین‌های مسلمانان یا مثلاً بودایی‌ها در هندوستان یا در چین مرام مذهبی و دینی خودشان یعنی مذهبی- چه کاتولیک چه پروتستان- را تبلیغ کنند. پس شرق‌شناس شده‌اند. بنابراین شرق‌شناسی محصول فرعی فعالیت آنها بوده است. عده دیگری از سر علاقه شخصی خودشان به شرق و سنت‌های شرقی این کار را کردند. عده‌ای برای ثروت

را که نگاه می‌کند می‌بیند آنها با این مفاهیم و این مضامین این‌گونه برخورد کرده‌اند.

بعد از آن به قرن نوزدهم می‌رسیم که دوران اوج استعمار بود. اما غربیانی که به ایران می‌آمدند و در زبان فارسی تحقیق می‌کردند مشتاقانه و با روحیه دانش‌طلبی و دانش‌پژوهی می‌آمدند، مثل کسانی که خط‌های قدیمی ایران مثلاً خط میخی را برای ما خواندند و معنادار کردند یا افراد دیگری که در ادبیات فارسی تحقیق می‌کردند. هرچند آنها انگلیسی بودند و از آن منظر به جهان می‌نگریستند ولی این درست نیست که بگوییم کلاً همه آنها را باید نادیده گرفت. البته بازبینی همیشه کار خوبی است و باید آثار پیشینیان را از خودی و غیرخودی بازبینی کنیم چون زمانه همیشه دگرگون می‌شود. شرق‌شناسی فروش را به عنوان یک مفهوم در زمانی آغاز کرد که گفت‌وشنود میان پژوهشگران بومی و پژوهشگران غربی شکل خوب خودش را پیدا کرد؛ مثلاً در قرن بیستم ما گفت‌وگوی وسیعی داریم میان استاد فروزان‌فر از یک سو و رینولد نیکلسون از سوی دیگر. در اینجااست که می‌توانیم زبان فارسی را به نوعی مستثنا کنیم و بگوییم آن نوع تبعیض و از فرادست‌نگریستنی که شاید در تحقیقات غربیان درباره اسلام دیده می‌شود، در این مورد وجود ندارد (البته آن هم دلایل خودش را دارد. به هر حال آنها مسیحی‌اند و در حقانیت اسلام پرس‌وجو می‌کنند، اگرچه همه مذاهب به شکلی حالت‌های معجزه را در خودشان ذخیره دارند و به ما عرضه می‌کنند). به هر حال وقتی ادوارد سعید به پدیده شرق‌شناسی می‌پردازد، بیش از حد پیش رفت. خوشبختانه همان‌طورکه گفتم در آثار بعدی‌اش رفته‌رفته با پس کشید و مفهوم شرق‌شناسی را بازبینی کرد و در آثار بعدی‌اش این موضوع کاملاً مشخص است.

بعد از ادوارد سعید، کتاب‌های بسیاری در جهان در تعدیل سخنان او نوشته شد. ولی به نظر من کتاب مک‌فی شاید بیش از حد پیش رفت. خوشبختانه در پاسخ به او نوشته شد. این کتاب نوعی اعتدال و میانه‌روی را مطرح می‌کند و دیگر با آن زبان یک‌سویه از شرق‌شناسی سخن نمی‌گوید. بسیار خوشحالم که این کتاب اکنون به ترجمه رسای فارسی آراسته شده و به چاپ رسیده و امیدوارم استادان و دانشجویان فراوانی را بخوانند. به هر حال نقد شرق‌شناسی کار درستی است و ما باید شرق‌شناسی را نقد کنیم. ولی نباید آن را در مفهوم بسیار بزرگ همه فرهنگ‌های شرقی در نظر بگیریم و باید فرهنگ چینی را از فرهنگ هندی و فرهنگ عربی و فرهنگ ایرانی جدا کنیم. به همین دلیل فکر می‌کنم تعدیل مفهوم شرق‌شناسی وضعیت‌ی را فراهم آورد که هم‌اکنون میدان باز است برای تألیف و ترجمه آثار دراین‌باره و باید ایرانیان باسواد و روشنفکر را از دبیرستانی تا دانشگاهی با این مفهوم و سیر تاریخی آن آشنا کنیم. خوشحالم که آقای فرهمندفر با در این راه گذاشته‌اند و امیدوارم هم خودشان در آینده آثاری شبیه این کتاب را ترجمه و به فارسی‌زبانان عرضه کنند و هم دیگران، و این موضوع تبدیل به یک گفت‌وگوی زنده و جاندار میان همه پژوهشگران شود. برای همه کسانی که گام در راه تحقیق و پژوهش می‌گذارند آرزوی موفقیت می‌کنم و امیدوارم فرهنگ ایران روزبه‌روز گسترده‌تر شود و ظرفیت بیشتری پیدا کند برای رویاروشدن با آثار گذشتگان و همین‌طور معاصرانی که از فرهنگ‌های دیگر به فرهنگ ما نگاه می‌کنند.

گفته‌ها

درباره رابرت اروین



✎ **عظیم طهماسبی**

● کتاب «دانش خطرناک» اثر رابرت اروین با دو نام در زبان انگلیسی منتشر شده و نام دیگری «هوس شناخت» است. باید از مترجم این اثر جناب دکتر دهقانی تسکری ویژه داشته باشم که به شیوایی این اثر را ترجمه کرده‌اند. اروین این کتاب را در سال ۲۰۰۶ نوشته است؛ یعنی سه سال پس از درگذشت ادوارد سعید. در همان سال یکی از ارادت‌مندان برنارد لوئیس کتابی درباره هنر شرق‌شناسی نوشت. برنارد لوئیس به خاطر نقدی که ادوارد سعید بر او در کتاب شرق‌شناسی داشت، می‌خواست جلوی نفوذ روزافزون سعید را بگیرد. چهار سال پس از نوشته‌شدن کتاب شرق‌شناسی، جدالی مطبوعاتی بین سعید و لوئیس درگرفت که به مدت یک سال در نیویورک‌تایمز ادامه داشت. ای کاش مترجم کتاب، زندگی‌نامه‌ای از رابرت اروین ارائه می‌کرد؛ چون به درک بهتر کتاب کمک می‌کرد. حال که مترجم این کار را نکرده، من به صورت کوتاه معرفی‌نامه‌ای از او ارائه می‌دهم. رابرت اروین در سال ۱۹۴۶ به دنیا می‌آید. در دانشکده ایسوم در دانشگاه آکسفورد درس می‌خواند و زیر نظر برنارد لوئیس در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (مسوار) پایان‌نامه‌ای درباره پیروزی‌های مملوکیان بر صلیبی‌ها انتخاب می‌کند، اما پایان‌نامه‌اش ناتمام می‌ماند. پس از آن به الجزایر سفر می‌کند و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌اندروز تاریخ قرون وسطا تدریس می‌کند. در ۱۹۷۷ شغل دانشگاهی‌اش را رها می‌کند تا با فراغ بال رمان بنویسد. البته بعد از آن هم به صورت یک تدریسی کتاب می‌کشد و در آنجا به کیش اسلام درمی‌آید و چندی در خانقاه‌های دراویش الجزایر می‌ماند. در ۱۹۷۲ در دانشگاه سنت‌